



## مهمترین نقیصه غرب فروپاشی خانواده است/ آسیب شناسی خانواده ها در ایران

یک پژوهشگر فلسفه و عرفان اسلامی با اشاره به اینکه خانواده اساس و بنیان اجتماع است گفت: متأسفانه بسیاری از خانواده ها در ایران به این نتیجه رسیده اند...

یک پژوهشگر فلسفه و عرفان اسلامی با اشاره به اینکه خانواده اساس و بنیان اجتماع است گفت: متأسفانه بسیاری از خانواده ها در ایران به این نتیجه رسیده اند که مانند خانواده غربی زندگی کنند در حالیکه غرب الان به این نتیجه رسیده که راهی که رفته غلط بوده و باید دوباره به زندگی جمعی و خانوادگی مستحکم برگردند.

دکتر علی محمد صابری استاد گروه فلسفه مجتمع آموزشی تربیت دبیر پیامبر اعظم(ص) در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد اینکه مهمترین آسیبها در محیط خانوادگی میان همسران و فرزندان چیست، گفت: خانواده در شرق و به خصوص در ایران بیشتر از غرب اهمیت دارد، زیرا بنیان و اساس جامعه است. اگر خانواده فرو بپاشد یا نقص و زیان و ضرری متوجه آن باشد مطمئناً جامعه هم به دنبال آن آسیب می بیند. اگر خانواده آلوده شود جامعه هم آلوده می شود.

وی افزود: آسیبهای خانواده را باید جدی بگیریم. این آسیبها از نظر اخلاقی، روانشناختی و عرفانی و فلسفی می تواند روی دهد. یک روانشناس وقتی به خانواده مشاوره می دهد می خواهد برای مثال افسردگی ناشی از سرخوردگی اجتماعی خانواده را رفع کند. یک عالم اخلاق ممکن است بگوید فضایل اخلاقی در چنین خانواده ای از بین رفته است و یک عارف یا فیلسوف به مسائل روحی و فکری خانواده توجه می کنند. از این متخصصان دعوت می شود که خانواده را درمان کنند.

صابری اظهارداشت: یکی از مهمترین آسیبهای خانواده در ایران کمبود مسائل مادی است، یعنی گرفتار بودن در تأمین معاش خانواده از اصلی ترین دغدغه های سرپرستان خانواده است. دختران و پسران جوان که به سن ازدواج رسیده اند و می خواهند استقلال داشته باشند به علت مشکلات مادی در خانواده مانده اند و خانواده ها نمی توانند امکان استقلال و ازدواج آنها را فراهم کنند. مشکلات اقتصادی به قدری مهم هستند که در حدیثی داریم اگر فقر از دری وارد خانواده ای شد ایمان از آن در بیرون می رود و کفر به جایش می نشیند.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه و عرفان اسلامی تصریح کرد: البته وظیفه حکومت هم در این خصوص مهم است که به مشکلات اقتصادی خانواده ها رسیدگی کند. حکومت و خیریه ها و مددکاران و موسسات اقتصادی دیگر باید به خانواده های نیازمندان از جمله بیماران و گرفتاران، کارگران، زندانیان، سربازان، نگهبانان، مستمندان و یا خود خبرنگاران که دارای شغل سختی هستند و اندک حقوقی می گیرند کمک کنند. به هر حال از همین جاها باید شروع کرد تا خانواده ها دچار آسیب جدی نشوند. زیرا اگر این آسیب برطرف نشود آسیب های دیگر را نمی توان از بین برد.

وی تأکید کرد: دومین آسیب بعد از آسیب اقتصادی، آسیب اخلاقی در خانواده هاست. متأسفانه ما لباس مدرنیته به تن کرده ایم اما تفکر مدرنیته را نداریم. نمی دانیم نیازهایمان دقیقاً چیست؟ با عوام جامعه که ممکن است با سوادان هم باشند همنشین می شویم زیرا عوام کسی است که دچار روزمرگی شده و گرفتار شکم است. چنین فردی از فکر بازداشته شده و حاضر است انسانیت و هویت ملی و دینی خود را به خاطر اهداف مادی فدا کند و زیر پا بگذارد. دین برای این افراد ابزاری برای زندگی و نه ابراز بندگی است و حيله ای برای بهتر زندگی کردن و جاه طلبی است. می بینیم که اخلاق در اینجاها رنگ می بازد. رذیلت جای فضیلت می نشیند. فرد برای اینکه به اهداف مادی خود برسد حاضر است دروغ بگوید کلاه برداری کند و اینها را پای رندی و زرنگی خود می گذارد. درحالی که اینها رندی نیست.

صابری بیان کرد: عقل مصلحت اندیش یک عقل دروغ گو و کوتاه بین است که فقط می خواهد بازاری فکر کند و گرفتار اوهمات دنیایی می شود و به خاطر همین اوهام دنیا حاضر است تمام فضایل اخلاقی را قربانی کند. انسانی که باید در خانواده تکامل پیدا کند و به تعالی برسد و از عقل معاد و پایان بین خود بهره ببرد دچار عقل معاش و بازاری و کوتاه بین می شود. دائم برای خود بت درست می کند. آسیب بعدی بنهای خانوادگی است بنهای ظاهری و فریبنده که گرفتارش هستیم که یکی از آنها تجملات است. ریاست طلبی یکی دیگر از این بنهاست. بعضی از خانواده ها به دنبال این اهداف می روند و وسیله را هدف قرار می دهند یعنی به جای اینکه پول برای زندگی کردن باشد زندگی می کنند تا پول به دست بیاورند. پول درآوردن همه چیز آنها می شود.

این استاد دانشگاه فرهنگیان تصریح کرد: خلأ روحی و معنوی آسیب دیگر این چنین خانواده هاست، یعنی به جای اینکه به درون خود بیندیشند متأسفانه تمام توجه اشان به بیرون است و معطوف به جسم و تنشان است. این چنین خانواده ای به پوچی می رسد، زیرا وقتی هدف معنوی نداشته باشیم نهیلیسم و پوچی حاصل زندگی می شود که این پوچی باعث خودکشی ها و همچنین بزههای دیگر می شود. در حرفها و نوشته هایی که از کسانی که خودکشی کرده اند بدست آمده می بینیم آنها می گویند ما برای اینکه به کمال و هدفی برسیم زندگی می کنیم وقتی کمال و هدفی نیافتیم برای چه چیزی زندگی کنیم.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه و عرفان اسلامی عنوان کرد: خانواده های تهی از معنویت و اخلاق به پوچی می گریند. نتیجه این پوچی، افسردگی شدید و بی هویتی و بی شخصیتی است. عامل بعد ریا کاری در جامعه است. باید خانواده بر مبنای

راستی و درستی زندگی کند. اینکه همه انسانیم و در انسان بودن مشترک هستیم و انسان ارزشمند است و کرامت دارد باید بها داده شود این طور نباشد که عده ای را بی دلیل بر عده ای دیگر ترجیح و برتری دهیم، البته توجه به استعداد و توانایی های افراد باید بشود و جلوی شکوفایی استعداد کسی را نگیریم.

صابری در مورد اینکه چقدر آسیبهای اخلاقی درون خانواده در ناپایداری خانواده ها مؤثر است، هم تأکید کرد: سهم اخلاق سهم بسیار جدی است. اخلاق با روح انسانها و نه صرفاً جسم آنها سرو کار دارید. روح مثل یک گاری است که جسم را می کشاند اگر روح در آرامش و اسایش کامل باشد آسیبهای اقتصادی هم تحمل پذیر می شوند. خانواده ای که اخلاقی زندگی می کند و براساس درستکاری رفتار می کند با اندک روزی حلال زندگی اش برکت دارد و گلیم خود را از آب بیرون می کشد اما خانواده ای که دچار رذایل اخلاقی است مسائل مادی به هیچ وجه پاسخگوی مشکلات اخلاقی و روحی این خانواده نیست. بسیاری از خانواده های ثروتمند دچار خودکشی و بزه کاری های دیگر می شوند.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه و عرفان اسلامی عنوان کرد: خیال می کنیم که مادیات تمام سهم در زندگی را دارند، ولی کسی که از مادیات منتفع است مسئولیتش بیشتر است. ثروت یک فضیلت نیست بلکه یک نوع تکلیف در مقابل اعضای خانواده و کل جامعه است، اما مسائل اخلاقی با تکامل روحی آدمی سر و کار دارند. مادیات مثل آب و کود دادن به گل و گیاه است که نمو ظاهری کند و جسم رشد کند اما اخلاق با تربیت آدمی و تربیت با روح آدمی سر و کار دارد. اخلاق بدون پشتوانه نمی شود، پشتوانه اخلاق دین و عرفان است. اگر خانواده و یا جامعه ای دچار عقب ماندگی اخلاقی شود دچار عقب ماندگی فرهنگی می شود. اگر دچار زوال اخلاقی و دینی بشویم سقوط فرهنگی می کنیم.

وی تأکید کرد: آدم تربیت نشده نمی تواند آدم تربیت شده به جامعه تحویل دهد. فرد تربیت نشده اگر معلم جامعه بشود چگونه می تواند دانش موزان را تربیت کند و این زنجیر وار اشاعه می یابد. اعتیاد و بزهکاری و دزدی و فحشا نتیجه عدم تربیت شدن آدمهای جامعه است. این ناهنجاری ها خودشان علت نیستند بلکه معلول و نتیجه عدن تربیت اخلاقی در زندگی هستند.

این استاد دانشگاه فرهنگیان در مورد اینکه چقدر شرایط کنونی خانواده در ایران و روند افزایش مسائلی چون طلاق ناشی از فاصله گرفتن خانواده ها از اموراتی مثل حجاب، مسئولیت پذیری و تعهد همه جانبه به کانون خانواده هاست هم یادآور شد: متأسفانه جامعه امروز ایرانی دچار زلزله و آسیب بزرگ شده است که این امر از درون خانواده ها شروع می شود و به خرابی جامعه منجر می شود البته عامل بیرونی هم دارد. حکومت در این باره مسئول است. متأسفانه بسیاری از خانواده ها در ایران به این نتیجه رسیده اند که مانند خانواده غربی زندگی کنند درحالیکه غرب الان به این نتیجه رسیده که راهی که رفته غلط بوده و باید دوباره به زندگی جمعی و خانوادگی مستحکم برگردند. مهمترین نقیصه غرب همین فروپاشی خانواده است. حالا ما نباید راهی که آنها رفتند و دارند باز می گردند همان راه را برویم. بلکه باید به خود رجوع کنیم. رجوع به خود برگشت به عقب نیست با نگاه نو به دین و اخلاق نگرستن است.

صابری یادآور شد: برای مثال حجابی که شما نام بردید یک امر ملی و دینی است فقط یک مسئله دینی نیست. زیرا زنان دوره زرتشت هم با حجاب بودند. منتها در جامعه ایرانی نوع پوششها بر اساس قومیتها تفاوت دارد یک کرد یا بلوچ یا بختیاری یا یک زن تهرانی پوششهای متفاوتی از هم دارند. اما اصل حجاب به عفت بر می گردد. عفت اعتدالی بین نوعی هرزگی و شهوت از زبان تا پا است. عفت فقط کنترل شهوت و هرزگی نیست بلکه جهل و عدم فکر باعث بی عفتی است. بی عفتی از جهل بیرون می آید. خانواده ای که دچار غضب و هرزگی شود و به دنبال کشف حقیقت نرود بی عفت است. بی عفتی هم ترس و جبن و بزدلی به همراه می آورد. جوامعی که پرچم جنگ را علم می کنند جامعه با عفت نیست بلکه جامعه متفکر و اندیشمند و با عفت با شفقت با همدیگر برخورد می کنند و به همدیگر خدمت می کنند. همدلی نتیجه این رفتار خانواده ها و جوامع است. باید ریشه هرزگی ها و بی عفتی ها را بخشکانیم. جامعه ای که دچار خلأ فکری، معنوی و هویتی است بی عفت می شود اگر این مسائل شناسانده شود آنوقت آرام آرام حجاب هم درست می شود زیرا حجاب معلول عفت است.

صابری در مورد اینکه اصلی ترین دستورات اسلام درباره خانواده چیست هم تصریح کرد: اسلام دینی است که به خانواده بسیار اهمیت داده است. عرب جاهلی که دخترکش بود. زنان به عنوان غنایم جنگی توزیع می شدند و به مردان هدیه داده می شد، اسلام آرام آرام با آن مبارزه کرد. من مخالف این هستم که بعضی ها می گویند اسلام با برده داری موافق است بلکه کاری را که آمریکا از 400 سال پیش شروع کرد اسلام از 1400 سال پیش آغاز کرد و آن از بین بردن برده داری است اینکه می گوید اگر روزه ای به سهو خورده شد باید 60 برده را آزاد کنید این در واقع قدمی برای از بین بردن بردگی بود. اسلام می گوید ما شما را از نفس واحده آفریدیم هیچ کس بر دیگری برتری ندارد؛ چه زن بر مرد و چه مرد بر زن. البته برتری در تقوا و ایمان بیشتر است که نیروی عشق و معنویت در چنین کسی افزون شده و دل و ایمان او مستحکم تر می شود.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه و عرفان اسلامی عنوان کرد: در سوره مجادله، نور، بقره و نساء دستورات اسلام را راجع به خانواده می بینیم. اما در کنار قرآن، رساله حقوق امام سجاد(ع) تمام این حقوقها را، زن و مرد، پدر و مادر، همسر و شوهر و همسایه و معلم و مربی را همه بیان کرده است. رساله مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه امام صادق(ع) نیز درباره دستورات دینی و روابط افراد با خود با خدا و با دیگران بیان کرده است. رساله پند صالح از یکی از عرفای خراسان نیز حاوی دستورات عرفانی در خصوص خانواده هاست. این دستورات شامل دستورات ظاهری و اعمال جسم برای مثال خضوع و هم دستورات باطنی که مربوط به روح است برای مثال خشوع در کنار خضوع است.

صابری اظهارداشت: حال خوف و رجای مؤمن، وقتی مؤمن به یقین می رسد و هیچ حزن و اندوهی ندارد و هم پرسش مومن

از حقیقت اینکه نباید هیچ چیزی را همین طوری قبول کند و باید شک و پرسش کند از دیگر موضوعات این رساله هاست. خلوص نیت و خدمت به خلق که محبت به بار می آورد و صدق و درستی در کارها و رفتار و خلاصه رسیدن به کمال و تعالی و پرداختن به تمام این ریزه کاری ها از موضوعات و مطالب این رساله هاست.